

## رابطه امنیت و عدالت سیاسی در اسلام

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۱۹

سکینه گرم آبدشتی\*

### چکیده

مقاله حاضر درصدد تبیین و بررسی ارتباط بین امنیت و عدالت سیاسی در اسلام است. امنیت از نیازهای ضروری و آغازین بشر است که با آفرینش او همراه بوده و پاسخ‌گویی به نیازهای دیگر، در سایه هستی آن تحقق می‌یابد. همراه بودن نیاز به امنیت با آفرینش انسان و توجه شدید وی به این نیاز، آن را در ردیف نیازهای فطری بشر درآورده است. ارتباط بین امنیت و عدالت سیاسی سبب شکل‌گیری امنیت سیاسی برابر می‌شود که موضوع مقاله حاضر است. یکی از ابعاد امنیت، امنیت سیاسی است که با توجه به ارتباط آن با عدالت سیاسی، در این مقاله به امنیت سیاسی برابر اشاره می‌شود. اسلام به امنیت سیاسی برابر معتقد است که اطمینان شهروندان به احقاق حقوقشان توسط دولت است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که امنیت سیاسی برابر در سایه برابری در مقابل قانون است.

واژه‌های کلیدی: عدالت سیاسی، امنیت سیاسی، برابری، قانون.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پرتال جامع علوم انساني

جای خویش قرار می‌گیرد. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. در مقام اجرا، حکومتی عادل است که با رفع محدودیت‌ها، امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را برحسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند. از طرف دیگر، شهروندان به احقاق حقوقشان از سوی دولت، اطمینان داشته باشند.

عدالت سیاسی به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود. اینکه حاکمان مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر، می‌تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم، اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد، حکومت عادلانه است؛ در غیر این صورت، اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد، آن حکومت ظالم است و فرمان‌برداری از آن جایز نیست (جمالزاده، ۱۳۸۷، ص ۸).

یکی از پژوهش‌گران با توجه به دیدگاه‌های پیامبر اکرم (ص) در تعریف عدالت سیاسی می‌گوید: عدالت سیاسی عبارت است از مجموعه قواعد متناسب و هدفمند برآمده از عقل و دانش و مبتنی بر برابری انسان، برای تدبیر امور جامعه به بهترین نحو ممکن در هر شرایط، به گونه‌ای که تصمیم‌گیرنده راضی شود، جای خود را با افراد مورد تصمیم عوض کند (علیخانی، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۹). عدالت سیاسی «رعایت حق غیر است» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵) و تبعیض آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های هم‌سان، بین آدم‌ها فرق گذاشته شود. عدالت سیاسی دستیابی همه انسان‌ها به بلوغ و کمال و برابری آنها در برابر قانون است.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پرتال جامع علوم انساني

اعضای این پیمان - می‌تواند هر فرد بیگانه را در پناه خود و به عبارت دیگر با اختیار و ضمانت خود وارد مدینه کند و همگان ملزم به رعایت و پای‌بندی به امنیت او هستند (علی‌خانی، ص ۹۵).

### ارتباط امنیت و عدالت سیاسی در قرآن و سنت

در نظام آرمانی سیاسی اسلام، عدالت و امنیت مایه تأیید و تقویت یکدیگرند. در حکومت علوی نیز این گونه بوده و امام علی (ع) هیچ‌گاه برای رسیدن به امنیت، از عدالت‌ورزی خود عقب نشست. بدین لحاظ، امنیت واقعی مبتنی بر نظم و قانون الهی از اهداف و آرمان‌های عالی ایشان بوده است و همواره بر آن تأکید می‌ورزیده‌اند. امیرمؤمنان به دلیل ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم‌آفرین، به محال بودن عدم وجود حکومت معتقد است، و حتی حکومت بد و قوانین نامطلوب را بهتر از هرج و مرج و بی‌قانونی، و آسیب و تباهی‌اش را کمتر می‌داند؛ زیرا در برابر بی‌قانونی و هرج و مرج، تمام راه‌های نجات مسدود، و همه امور و حدود تعطیل می‌گردند و فتنه طولانی حاکم می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). حضرت در این باره می‌فرماید: «پیشوای دادگر از باران پیوسته [که همه چیز را بارور می‌کند] بهتر است؛ و جانور درنده و آدم‌خوار از فرمانروای ستم‌کار بهتر است؛ و فرمان‌روای بیدادگر از ادامه هرج و مرج نیکوتر است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

از دید ایشان، عدالت‌ورزی زمامداران باعث رفع خشونت‌گرایی و طغیان مردم علیه حکومت می‌گردد و به‌جای احساس یأس، سرخوردگی و اشمئزاز از حکومت، اطمینان، آرامش و محبت به نظام سیاسی در دل ایشان جایگزین می‌شود و با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشتت، تفرقه، ناامنی و بی‌ثباتی، به سمت وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲).



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پرتال جامع علوم انساني

مشروعش می‌باشد» (جهان بزرگی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹) از آنجا که خداوند انسان را آزاد آفریده و آزادی از تمامیت هستی او جداناپذیر است، پیش‌گیری از آسیب‌های تهدیدکننده آزادی سیاسی همیشه از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. یکی از خطرهای تهدیدکننده آزادی سیاسی، کاربرد نابه‌جای قدرت سیاسی است که از آن به خودکامگی، استبداد و ستم‌گری یاد شده است. بنابراین، مصونیت از ستم، از هدف‌های امنیت سیاسی است. یعنی امنیت سیاسی می‌کوشد از آزادی در برابر خودکامگی و سرکوب آن توسط دارندگان قدرت سیاسی، دفاع کند. امام علی (ع) آزادی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «آزادی، رها بودن از هر نوع قید و بندی است که کسانی دیگر و یا چیزهای دیگر برای انسان ایجاد می‌کنند (همان، ص ۱۱۰).

از سویی استبداد، تغلب و خودکامگی در روایات منشأ ناامنی و بروز اغتشاشات و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و تلاش حکومت به‌شمار آمده است. از این‌رو به منظور اعمال بهینه قدرت سیاسی و دستیابی به آرمان‌های عالی‌ه حکومت - و از جمله آنها امنیت - مراد ملاحظت و مودت‌آمیز و فارغ از خشونت با مردم توصیه شده است.

عدم وجود قانون، عدم حاکمیت قانون، وجود تبعیض و نابرابری در برابر قانون، عدم امکان مشارکت در مسائل سیاسی جامعه، از بین رفتن حق انتقاد و سلب آزادی تفکر، بیان، عقیده، مذهب و انتخاب، در ایجاد ناامنی سیاسی در جامعه نقش به‌سزایی دارند.

### برابری شهروندان در برابر قانون

فراهم آوردن امنیت سیاسی، در یک جامعه دادگر از طریق ضوابط و معیارهایی است که در سایه آنها شهروندان بتوانند به طور مؤثری از آزادی‌ها و فرصت‌های پدید آمده برای وصول به اهداف خویش بهره‌مند شوند. و در صورت نقض این شرایط، افراد به مخالفت با قانون با



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



قوانین و امکانات و فرصت‌ها برای همه آنها یکسان باشد، یا آنکه در طبقات و گروه‌های متعدد دسته‌بندی شوند و با افراد هر طبقه و گروه، یکسان برخورد شود. این پرسش، به ویژه از آن‌رو که با عدالت ارتباط دارد، حائز اهمیت است.

در هر حال، اعتقاد به برابری غالباً به منزله نادیده گرفتن یا کوچک شمردن برخی تفاوت‌ها و اصلی دانستن و بزرگ شمردن برخی دیگر است؛ مثلاً ممکن است اختلاف نژادی یا قومی را اصل بگیرند و فقط افراد یک نژاد یا قوم را یکسان بینگارند. در برابر، ممکن است تفاوت در استعداد و قابلیت یا کار برجسته را ملاک طبقه بندی قرار دهند و سایر تفاوت‌ها را کنار بگذارند. از این گذشته، در سیر تاریخی اندیشه برابری، گاهی فقط یکسانی مالی و اقتصادی وجهه نظر بوده است، گاهی بر همسانی در برابر قانون تأکید می‌شده است، گاهی از برابری فرصت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... سخن می‌گفته‌اند و گاهی به برابری پاداش در برابر کار یکسان نظر داشته‌اند.

## ۲. برابری در اسلام

اعتقاد به همانند بودن انسان‌ها از جنبه وجودی و در نتیجه لزوم رفتار یکسان با آنها از پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بشر برخوردار است. علی‌رغم اینکه در دهه‌های اخیر، مجامع بین‌المللی به منظور تأکید بر برابری انسان‌ها با قطع نظر از نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی، مذهب، ثروت، مقام، جنس و... چندین اعلامیه تصویب کرده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ است. در عین حال اعتقاد به برابری گوهر وجودی انسان‌ها از اصول اساسی ادیان توحیدی است. آن فقط کمک به شناسایی افراد است. در قرآن، حدیث، فقه و آرای دانشمندان مسلمان، نکاتی از جنبه‌های نظری درباره برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشه برابری دیده می‌شود.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته  
پرتال جامع علوم انساني

فردی یا نفی درجات و مراتب اجتماعی نیست و به تعبیر برخی مؤلفان، نادیده گرفتن این نکته در واقع، ظلم به فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۶۱، صص ۸۹-۹۲). از آن بالاتر، به گفته این مؤلفان، تفاوت استعدادها و وجود رتبه‌ها و مقامات اجتماعی برای استقرار نظام اجتماعی اجتناب ناپذیر است. بر همین اساس، مراد از برابری در عرصه زندگی اجتماعی را برابری در فرصت‌ها و امکانات می‌داند تا هرکس به فراخور قابلیت و کوشش خود از این فرصت‌ها بهره بگیرد. در واقع، این بحث به این دیدگاه باز می‌گردد که برابری در نظام حقوقی و فقهی اسلام، تحت شعاع اصلی مهم‌تر و اساسی‌تر، یعنی عدالت قرار دارد؛ زیرا هدف نهایی از آمدن پیامبران و تنها عامل اصلاح جامعه از نگاه دینی تحقق قسط و عدالت اجتماعی و به تبع آن، عدالت سیاسی است.

### ۳. مفهوم قانون

قانون مجموعه مقرراتی است که برای استقرار نظم در جامعه وضع می‌گردد. کارویژه اصلی قانون، تعیین شیوه‌های صحیح رفتار اجتماعی است و به اجبار از افراد می‌خواهد مطابق قانون رفتار کنند. طبق اصول جامعه‌شناختی، فردی به‌هنگار تلقی می‌شود که طبق قوانین جامعه رفتار نماید. اما آیا متابعت از هر قانونی سبب متصف شدن افراد به صفت عدالت می‌گردد؟

در پاسخ باید گفت که هر قانونی توان چنین کاری را ندارد. قانون در صورتی تعادل‌بخش است که خود عادلانه باشد و عادلانه بودن قانون به این است که منبع قانون، قانون‌گذاران و مجریان آن عادل باشند. تنها در چنین صورتی است که قانون‌مندی افراد سبب عادل شدن آنها می‌گردد. قانون علاوه بر عادلانه بودن، باید با اقبال عمومی مردم نیز مواجه شود که البته



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

قانون‌گذاران بشری چنین‌اند که اگر در زمان وضع و تأسیس، بدانند چه گرایش‌ها، یا کسانی از رهگذر آن سود یا زیان خواهند دید، این امر، سلامت قانون و عادلانه بودن آن را مخدوش می‌سازد. قانون عادلانه آن است که براساس عقل و منطق با نیازهای واقعی انسان باشد، نه براساس منافع و هواهای شخصی، و نیز از همه حیث متقارن باشد؛ یعنی منافع و مضار آن یکسان با همه تصادم کند و فرق نکند توسط چه کسی اجرا می‌شود و باید بتوان فرض کرد با رفتن همه متولیان اجرایی آن، مشکلی به بار نیآورد. تغییر قانون نیز نباید تابع جابه‌جایی جناح‌ها و شخصیت‌ها باشد. ثبات، کلیت و دوام، لازمه قوانین عادلانه و مطلوبند. عادلانه بودن قانون در مقام اجرا، یکنواخت بودن و رنگ ناپذیری است. در واقع باید بر سر «چگونه» عمل کردن به قانون بحث کرد، نه بر سر اینکه «چه کسی» آن را اعمال می‌کند.

بنابراین، تأکید بر حاکمیت قانون، تأکید بر گسترش هرچه بیشتر نظم و عدل است. ضرورت و مطلوبیت عدل برای امنیت و آرامش، انگیزه و علت اصلی قانون‌گستری است. عمومیت نداشتن و استثنایپذیری قانون آفتی است که خاصیت نظم‌بخشی و عدل‌گستری قانون را کاهش می‌دهند. قرآن کریم هدف از برانگیختن پیامبران و ارسال کتب را «قامه قسط» می‌داند (حدید، ۲۵).

تأثیر عدالت بر اجتماع و بقای آن غیر قابل انکار است و هیچ اجتماعی نمی‌تواند بدون عدالت، بقای خود را شاهد باشد. جامعه‌ای که شاهد عدالت در بین افراد اجتماع نباشد با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد و هیچ‌گونه حکومتی قادر به حل مشکلات چنین جامعه‌ای نخواهد بود. یکی از اصول تحقق عدالت در اسلام، آن است که همه در برابر قانون مساویند. انسان‌ها ذاتاً هیچ‌مزیتی بر یکدیگر ندارند. سرشت، خالق، و هدف از خلقت همه، مشترک است. اختلافات حقوقی ناشی از نژاد، طبقه، ثروت و... در اسلام اساسی ندارد. نه کسی برای بردگی آفریده شده و نه گروه خاصی برای سروری. تقوا تنها معیار برتری است (حجرات، ۱۳).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

استعدادها را شکوفا می‌کند، حد و مرز آزادی‌های لازم را تعیین می‌نماید، از استبداد و انحصار جلوگیری کرده، همه انسان‌ها را هماهنگ، به سمت کمال سوق می‌دهد.

#### ۵. برابری در مقابل قانون در اسلام

برابری در مقابل قانون، زمانی است که در جامعه، افراد، صرف‌نظر از موقعیت‌ها و امتیازهای ذاتی و اکتسابی خود در جایگاه یکسان و برابری نسبت به قانون برخوردار باشند و افراد بر اساس رنگ پوست، عقاید سیاسی، مذهب، قوم، زبان و گروه، طبقه‌بندی نشوند و به هنگام اعمال قانون نیز، به موقعیت‌ها و امتیازات مذکور توجه نشود. عدالت سیاسی ایجاب می‌کند که عموم شهروندان یک جامعه در سایه حکومت عادلانه، دارای زیست و زندگانی مبتنی بر عدل و قسط داشته باشند و مراعات اصل انصاف را در تعامل با دیگران خواه کسانی که در عرصه قدرت سیاسی قرار دارند و یا سایر شهروندان بنمایند و عدم همراهی با صاحبان زر و زور و نسب را شعار همیشگی خود قرار دهند. به‌علاوه، معیار پیروی آنها از صاحبان قدرت «قانون عدالت» باشد. در نتیجه، باور به عدالت سیاسی و پذیرش آن است که رهبران در جامعه، خود را با سایر شهروندان برابر می‌بینند.

به همین دلیل قرآن کریم این مهم را از مردم مطالبه می‌نماید: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید» (نساء، ۵۸). همان طوری که ملاحظه می‌شود، در این آیه بر عدالت در داوری تأکید شده است. عدالت در داوری به مفهوم رعایت برابری و مساوات در برابر قانون است و بدین ترتیب بر پایه این آیه می‌توان به ضرورت تحقق عدالت سیاسی به مفهوم مذکور اذعان نمود. بر این اساس، عدالت و به‌ویژه عدالت سیاسی را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های سیاسی مورد توجه و تأکید قرآن کریم دانست که در پرتو تحقق آزادی انسان‌ها از



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی  
پرتال جامع علوم انسانی



سخنش جداکننده حق از باطل و فرمانش عدل بود...» (نهج البلاغه، خطبه ۹) توجه او به قانون‌مداری و برابری در برابر قانون عدل زیانزد خاص و عام است.

برای نمونه آن حضرت پس از فتح مکه و پیروزی بر قریش، در عین این‌که تمام بدی‌هایی که قریش در طول بیست سال نسبت به او مرتکب شده بود، نادیده گرفت و همه را یک‌جا بخشید، اما در همام فتح مکه زنی از اشراف را که مرتکب سرقت شده بود و جرمش محرز گردید، با آنکه خاندان آن زن که از اشراف قریش بودند و اجرای حد سرقت را توهین به خود تلقی می‌کردند، سخت به تکاپو افتادند که رسول خدا از اجرای حد، صرف‌نظر کنند و حتی بعضی از محترمین صحابه را به شفاعت برانگیختند. ولی رسول خدا با مشاهده این اقدامات از خشم برافروخته شد و فرمود: «چه جای شفاعت است؟ مگر قانون خدا را می‌توان به خاطر افراد تعطیل کرد؟» و هنگام عصر آن روز در میان جمع سخنرانی کرد و گفت: «اقوام و ملل پیشین از آن جهت سقوط کردند و منقرض شدند که در اجرای قانون خدا تبعیض می‌کردند؛ هرگاه یکی از اقویا و زیردستان مرتکب جرم می‌شد، معاف می‌شد و اگر ضعیف و زیردستی مرتکب می‌شد، مجازات می‌گشت. سوگند به خدایی که جانم در دست او است، در اجرای «عدل» درباره هیچ‌کس سستی نمی‌کنم، هرچند از بزرگ‌ترین خویشاوندان خودم باشد» (علیخانی، ۱۳۸۸ ب، ص ۱۵۰).

سید قطب اشاره می‌کند که پیامبر اسلام (ص) برای حاکمان و از جمله خودش، همان حقوقی را قرار داد که اسلام برای همگان مقرر کرد و هیچ حق اضافه‌ای قائل نشد. آن حضرت از خودش هم قصاص می‌کرد، مگر اینکه صاحب حق از او درگذرد. امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «حق را بر هر کس لازم آمد، ملازم باش و اجرا کن، چه برای نزدیک و چه برای دور. ولو برای خواص و خویشانت، هر که باشند. اگر بر تو گران است، به عاقبت خوش این کار توجه کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

در همین راستا حضرت با صدور فرمان‌ها، عهدنامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی اولاً کارگزاران خویش را به قانون‌گرایی دعوت می‌کرد و ثانیاً از آنان می‌خواست که با رعایت عدالت در اجرای قانون و عدم تبعیض در میان مردم، زمینه سوءاستفاده خواص و نزدیکان هیئت حاکمه را از بین ببرند.

مواردی وجود داشت که پیامبر(ص) و یا امام علی(ع) حدود الهی را بر یاران نزدیک خود جاری کردند و بر این کار سرزنش شدند و افرادی از ایشان بریدند و به دیگران گرویدند؛ ولی با این وجود می‌فرمودند، اگر نزدیک‌ترین کسان ما، یعنی فاطمه(س) و یا حسن و حسین(ع) از حد تعدی کنند، به سزای عمل خود خواهند رسید. داستان رفتار علی(ع) با برادر خود عقیل که تقاضای سهمی بیش از حق خود از بیت المال داشت، زبان‌زد و مشهور است.

هم‌چنین کسانی مانند طلحه و زبیر به روی او شمشیر کشیدند، چرا که حاضر نشد بیش از حق آنان امتیازی بدهد و سهمی بیش‌تر از بیت المال و یا پستی که شایسته آن نیستند، در اختیارشان گذارد. نیز چه بسیاری که به معاویه پیوستند، چرا که عدالت او و برابری خودشان را در مقابل قانون برننافتند و خودکامگی در سر داشتند (نهج البلاغه، نامه ۷). آن حضرت، به کارگزاران خود همین روش را گوش‌زد می‌فرمود و آنان را از انحصارطلبی و تمامیت‌خواهی برحذر می‌داشت. نیز می‌فرماید: «میان مردم، در اوقات و برخوردها، مساوات را رعایت کن تا اینکه بزرگان در میل تو به ایشان طمع نکنند و ضعیفان از عدالت تو بر ایشان مأیوس نگردند» (همان، نامه ۲۷).

این همه تأکید و تحذیر برای آن است که مالکیت و قدرت، انسان را به خودکامگی و استبداد سوق می‌دهد. همه مردم، در حقوق یکسانند و در برابر قانون مساوی‌اند، و لازمه این تساوی، آن است که با هر کس، مطابق رفتار و حرکتش و تکلیفی که بر عهده اوست و او عمل کرده یا نکرده، رفتار شود. حضرت در عین تأکید بر یکسان بودن حقوق مردم می‌فرماید:



پښتونستان ښار، پښتونستان  
پښتونستان ښار، پښتونستان

این موضوع در دین مبین اسلام و منابع اصیل آن، همچون قرآن و سنت پیامبر، به خوبی تبیین شده است. تلاش پیامبر(ص) و ائمه مسلمین(ع) برای رعایت تساوی همه اتباع حکومت اسلامی در برابر قوانین اعم از حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و همچنین برخورداری همه مردم صرف نظر از دین، نژاد، رنگ، پوست و ملیت آنان از حقوق اساسی در جامعه بوده است. در نتیجه، باور به عدالت سیاسی و پذیرش آن است که رهبران در جامعه، خود را با سایر شهروندان برابر می‌بینند.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني